فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و ششم، پاییز ۱۴۰۰- صفحات ۱۴۸-۱۲۱

بررسی سازگاری مالیات بر عایدی سرمایه با اهداف اقتصاد اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

علیرضا لشکری[۱]
روح‌اله عبادی[۲]

تاریخ دریافت:۱۴۰۰/۰۶/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

چکیده

هر ابزار سیاستی در اقتصاد اسلامی با ملاحظه منفعت خالص اجتماعی، تطابق با قوانین شرعی و سازوکار تأمین هدف مورد نظر طراحی می‌شود. تأمین اهداف دولت در بخش مالیات از طریق گسترش پایه‌های مالیاتی جدید و بهبود عملکرد پایه‌های مالیاتی موجود با رویکرد توزیعی، تخصیصی و سیاست‌گذاری صورت می‌گیرد. از سوی دیگر افزایش واقعی ثروت و دارایی یک کشور وابسته به رشد فعالیت‌های مولد، ارزش آفرین و تولیدی بوده و انباشت سرمایه و کیفیت سرمایه‌گذاری برای فراهم‌سازی بستر مناسب تولید لازم و ضروری می‌باشد. مالیات بر عایدی سرمایه به‌عنوان ابزاری برای دولت در جهت مدیریت منابع در بازارهای مختلف، زمینه تغییر رفتار و کنترل منافع بازیگران اقتصادی را در جهت منافع عمومی دنبال نموده و بر تحرک و جریان سرمایه و تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. در این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد فقهی سازگاری مالیات بر عایدی سرمایه[۳] با اهداف اقتصاد اسلامی و شباهت و تفاوت آن با مالیات اسلامی خمس بررسی شد. با درنظرگرفتن اهداف عالی، میانی و عملیاتی در اقتصاد اسلامی، مالیات بر عایدی سرمایه از طریق کارکردهایی نظیر کمک به تضعیف فعالیت‌های غیرمولد، کاهش انگیزه‌های سوداگرانه، هدایت سرمایه و نقدینگی به فعالیت‌های مولد، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و ... در تحقق اهداف عدالت اقتصادی، تأمین منافع عمومی، رفاه و ثبات اقتصادی اقتصاد اسلامی مؤثر بوده است.

کلمات کلیدی: اقتصاد اسلامی، توزیع درآمد، رفاه اقتصادی، عایدی سرمایه، فعالیت‌های مولد و سوداگرانه، مالیات

طبقه‌بندی JEL: P35،G38 ، I38،H21

---

[۱] استادیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه AliLashkari@rihu.ac.ir
[۲] دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه Ebadi.ro@gmail.com

[3] Capital Gains Tax (CGT)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

مقدمه

رشد و شکوفایی در حوزه‌های گوناگون نظامات اجتماعی، در مقبولیت آموزه‌های منتسب به یک مکتب و جریان فکری به‌عنوان درون‌مایه‌های مولد فرآیندها، سازوکارها و جهت‌گیری‌ها، صحت برداشت‌ها و نوع تفسیر رویدادها، از منظر تحلیل‌گران و عموم مردم نقش به‌سزایی دارند. از سویی دیگر، تعیین چارچوبی برای حرکت، امکان بهره‌برداری از تمام پتانسیل‌ها را برای تسریع در فرآیندگذار محدود می‌نماید (غفاری‌فرد و همکاران، ۱۴۰۰).

هر حرکت و اقدام معقول و منطقی، ناگزیر باید در پی هدف روشن و دست‌یافتنی باشد. در شکل‌گیری هر نظامی از جمله نظام اقتصادی و فعالیت‌های نظام‌مند آن، جایگاه اهداف غیرقابل انکار است. محورسیاست‌گذاری‌ها، قانون‌گذاری‌ها و توصیه‌های اخلاقی هرنظام اقتصادی، مبتنی بر اهداف آن نظام می‌باشد. نظام اقتصادی، مجموعه ای از الگوهای رفتاری فرض می شود که دولت و مردم را به یکدیگر و به اموال و منابع در راستای اهداف معین- همچون عدالت، امنیت، رشد و توسعه - پیوند می‌دهند.

دولت برای تحقق اهداف اقتصاد اسلامی اقدامات مختلفی را برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اقدام می‌نماید که برخی از مهم‌ترین اقدامات دولت در زمینه موضوع این پژوهش اقداماتی در حوزه توزیع ثروت طبیعی و اموال دولتی به صورتی که فاصله‌ی طبقاتی زیاد ایجاد نشود (حشر(۵۹): ۷؛ حکیمی، ۱۴۰۸: ج ۵، ۲۷۲ – ۲۷۶ و ۲۸۲ – ۲۸۹)؛ تعدیل درآمدها از راه دریافت مالیات با لحاظ حفظ عمران و آبادی (رضی، ۱۳۹۵: ۴۳۶)؛ تأمین نیاز فقیران (رضی، ۱۳۹۵: ۴۳۸ و ۴۳۹)؛ نظارت بر بازار و جلوگیری از احتکار و حمایت از قیمت عادلانه (همان: ۴۳۸؛ حکیمی،۱۴۰۹: ج۲، ۴۹۴؛ و ۱۴۰۸: ج ۵، ۴۱۷ - ۴۲۰) و تحقق سرمایه‌گذاری زیر بنایی مورد نیاز که بخش خصوصی انگیزه یا توان انجام آن را نداشته و جامعه به آن نیازمند بوده و ... می‌باشد.

از مهم‌ترین ابزارهای تحقق اهداف اقتصادی دولت در هر سیستم اقتصادی شیوه دریافت مالیات در هر جامعه بوده به‌گونه‌ای که در کشورهای مختلف با ساختارهای سیاسی و اقتصادی متفاوت، این متغیرها از درجه اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و چگونگی و شدت تأثیرگذاری این متغیرها بر سایر متغیرهای کلیدی اقتصاد یکسان نمی‌باشد. یک نظام مالیاتی خوب باید بتواند از ویژگی‌های کارایی اقتصادی، سهولت در اجراء، انعطاف‌پذیری، پاسخ‌گویی سیاسی و انصاف برخوردار باشد (استیگلیتز[1]، ۱۳۹۲: ۱۰۲)

افزایش واقعی ثروت یک ملت در گرو رشد فعالیت‌های ارزش آفرین و تولیدی است و دولت‌ها، نقش به‌سزایی در هدایت فعالان اقتصادی جامعه به سمت فعالیت‌های مولد و کارآفرینانه دارند.

[1] Stiglitz

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

مالیات، ابزاری برای تأمین مالی دولت، تصحیح انحرافات بازار و ... بوده که می‌تواند در جهت تنظیم فعالیت‌های بخش‌های مختلف اقتصادی به‌کار گرفته شده و در راستای اتخاذ سیاست‌های مناسب برای افزایش هزینه تقاضای سوداگرانه، هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید، جلوگیری از بی‌ثباتی و افزایش قیمت ناشی از فعالیت‌های سوداگرانه در بازار، از اهرم سیاست‌های مالیاتی مبتنی بر مالیات بر عایدی سرمایه استفاده درنظرگرفته شده است.

در این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، ضمن بیان اهداف در اقتصاد اسلامی و بررسی مالیات بر عایدی سرمایه و آثار اقتصادی آن، میزان تطابق اهدافی که از وضع مالیات بر عایدی سرمایه مدنظر است با اهدافی که در سطوح مختلف در حوزه اقتصاد اسلامی گزارش می‌شود. شباهت‌ها و تفاوت‌های این مالیات با مالیات‌های اسلامی (خمس) و اثر اعمال این مالیات با در نظرگرفتن تورم، افزایش ارزش یک دارایی در طول زمان و کاهش ارزش یک دارایی در اثر مستعمل شدن برای مالیات‌بندی بر سرمایه و سازگاری وضع این مالیات با اهداف اقتصادی مطالعه و بررسی شد.

۱. پیشینه پژوهش

قانون مالیات بر عایدی سرمایه در بیش از ۵۰ کشور و اقتصادهای درحال‌توسعه درحال اجرا می‌باشد. برخی از نزدیک‌ترین تحقیقات در زمینه مالیات بر عایدی سرمایه و اثرات آن به شرح زیر گزارش شده است:

تقوی و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله «بررسی مالیات بر عایدی سرمایه» به روش توصیفی- تحلیلی نشان داده‌اند سیستم مالیاتی در ایران اصلاحاتی را در زمینه معرفی پایه جدید مالیاتی نظیر مالیات بر ارزش افزوده را مورد توجه قرار داده، درحالی‌که مشکلات جدی‌تری نظیر اصلاح ساختار مالیاتی هنوز باقی است. در راستای اصلاح ساختاری نظام مالیاتی کشور از طریق معرفی پایه‌های مالیاتی جدید به معرفی مالیات بر عایدی سرمایه پرداخته شده است.

رضایی و خادمی (۱۳۹۰)، در مقاله اصلاح ساختار و بسط پایه‌های مالیاتی در تطبیق با الگوی مالیات‌های اسلامی با تأکید بر مالیات بر عایدی سرمایه که براساس روش تحقیقی توصیفی- تحلیلی تنظیم شد، یکی از راه‌های تأمین مالی هزینه‌های دولت براساس اسناد سندهای توسعه کشور را گسترش پایه‌های مالیاتی معرفی نموده و در این راستا یکی از این پایه‌های مالیاتی، مالیات بر عایدی سرمایه است که امروزه درکشورهای مختلفی ارایه شده و از نوع مالیات بر درآمد و دارایی است و آثار مهم اقتصادی آن بهبود توزیع درآمد و تأمین هزینه‌های دولت است. در این مقاله با نگاهی به تجربه مالیات بر عایدی سرمایه سایر کشورها، دیدگاه فقه اسلامی را در مورد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

آن مطرح و مقررات مرتبط با مالیات بر عایدی سرمایه برای اصلاح ساختار مالیات‌ها از جهت سازگاری با مبانی شرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از نظر مکتب شیعه، خمس بر منافع سرمایه شباهت بسیار و تفاوت‌هایی با مالیات بر عایدی سرمایه دارد.

مصطفوی ثانی (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه باعنوان امکان‌سنجی شرعی و اجرایی وضع مالیات بر عایدی سرمایه در بازارهای مالی ایران نشان داده است که با توجه به ویژگی‌های اقتصاد ایران و لزوم حرکت به سمت سیستم مالیاتی توانمند به‌عنوان ابزاری مناسب برای سیاست‌گذاری، کنترل انگیزه‌های مخرب و کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، در این پژوهش مالیات بر عایدی سرمایه در بازارهای مالی به‌عنوان مالیاتی که قابلیت دستیابی به اهداف مورد نظر را دارد مورد بررسی و تأثیرات آن بر بازارهای مالی به‌عنوان بخش هدف مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. اگرچه برخی ناکارایی‌ها در اجرای مالیات بر عایدی سرمایه در بعضی کشورهای جهان گزارش شده است اما عدم تأثیر منفی این نوع مالیات بر سرمایه‌گذاری کل و رشد اقتصادی و همچنین تأیید آن به‌عنوان ابزار مناسب سیاست‌گذاری دولت برای مقابله با سفته‌بازی در اقتصاد و کاهش نابرابری‌ها توجیه این مالیات را بسیار تسهیل نموده است.

حقیقت و توتونچی ملکی (۱۳۹۳)، در مقاله «معرفی پایه مالیاتی جدید: چگونه در ایران مالیات بر عایدی سرمایه را پایه‌گذاری کنیم؟» به روش توصیفی- تحلیلی نشان داده است ایجاد این پایه مالیاتی در اقتصاد ایران می‌تواند نظام مالیاتی را در تحقق سه هدف اساسی آن (تخصیص بهینه منابع، توزیع مناسب درآمد، ایجاد منابع درآمدی پایدار برای دولت) کمک کند. یکی از اهداف این نوع مالیات جلوگیری از فعالیت‌های سوداگرانه در بازار دارایی‌های سرمایه‌ای مانند املاک است لذا نرخ مالیات بر عایدی سرمایه متناسب دوره نگهداری کوتاه‌مدت دارایی‌ها بیشتر از نرخ مالیاتی دوره بلندمدت تعیین شده است. این موضوع با هدف تفکیک تقاضای مصرفی از تقاضای سوداگرانه و کنترل تقاضای سوداگرانه دارایی‌ها صورت گرفته است.

کایولیونگ و ژانگ[1] (۲۰۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان تورم و مالیات بر عایدی سرمایه در یک اقتصاد کوچک باز به ارتباط مالیات برعایدی سرمایه با یکی از شاخص‌های کلان اقتصادی، تورم پرداخته و نشان داده است وضع این مالیات در یک کشوری که با تورم‌های بالا روبه‌رو است سبب کاهش رفاه اقتصادی گردیده و نوع دارایی‌ها و چگونگی نگهداری آنها و همچنین وضعیت انباشت سرمایه در کشور را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

[1] Ka Yui Leung, Charles, and Guang Jia Zhang.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

آروندین[1] (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرمالیات بر عایدی سرمایه و هزینه‌های کاهش مالیات بر اقتصاد و درآمد» بیان کرد که عدم دریافت مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند کارآمدی تخصیص منابع را کم کند؛ به این صورت که با افزایش اختلاف مالیاتی بین درآمد به‌دست‌آمده به شکل عایدی سرمایه و دیگر اَشکال درآمد، انگیزه منحرف کردن منابع به سمت فعالیت‌های غیرمولد به‌وجود می‌آید. در نتیجه این فعالیت‌ها از نظر مالیاتی به‌صرفه‌تر می‌شوند و برای تبدیل درآمد عادی به سرمایه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تارنر و همکاران[2] (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان «مالیات بر عایدی سرمایه در آفریقا: ادراک عدالت» ضمن بررسی نیاز به اصلاحات اساسی در جامعه و ارتباط آن با منافع نخبگان سیاسی، بررسی می‌شود که مالیات بر درآمد سرانه در آفریقای جنوبی نمونه‌ای از تلاش واقعی برای بهبود عدالت ادراکی سیستم مالیاتی است یا اینکه آیا ادراک عدالت صرفاً به‌منظور برنامه‌های سیاسی بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که درآفریقای جنوبی هدف از اعمال مالیات بر عایدی سرمایه هدف دوم بوده است.

بررسی ادبیات و پیشینه مطالعات داخلی و خارجی عنوان نشان می‌دهد تاکنون مطالعه گسترده‌ای در زمینه مالیات بر عایدی سرمایه صورت پذیرفته است که به آثار و پیامدهای وضع آن در بازارهای مختلف نظیر بازار سهام و ارتباط آن با شاخص‌های کلان اقتصادی و ... پرداخته شده است ولی تطابق، توانمندی و سازگاری مالیات بر عایدی سرمایه با اهداف اقتصاد اسلامی و چگونگی ارتباط آن با مالیات‌های مشابه اسلامی(خمس) پرداخته نشده است و از این رو در این مطالعه به آن اشاره شده است.

۲. سازگاری یا ناسازگاری اهداف

درلغت‌نامه دهخدا، سازگاری موافقت در کار و حسن سلوک و در مقابل آن، ناسازگاری بدسلوکی و بدرفتاری معنی شده است (دهخدا، ۱۳۸۵). در فرهنگ عمید نیز سازگاری را سازگار بودن، توافق، موافقت و هماهنگی معنی کرده است (عمید، ۱۳۸۹). به‌دلیل پیچیدگی اصطلاح سازگاری، متخصصان در تعریف آن، اشتراک‌نظر ندارند. شوهان[3] (۱۹۹۱) سازگاری را ارتباط موزون و هماهنگ با محیط می‌داند که توانایی برآورده کردن بسیاری از نیازهای فرد و انطباق با مقتضیات محیط را دربرمی‌گیرد. آلن[4] (۱۹۹۰) سازگاری را دستیابی به درک مناسبی از رفتارها، اندیشه‌ها و

[1] Aron-Dine
[2] Turner, Magda; Coldwell, David
[3] Shohan
[4] Alen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

احساس‌های خود و دیگران می‌داند که از راه مطلوبی، امکان بروز و ظاهر شدن راهبردهای کنار آمدن را برای انتظارات جامعه و مشکلات فراهم می‌کند.

سازگاری یا ناسازگاری در ابعاد مختلفی قابل بررسی و مطالعه است. ناسازگاری در اهداف به دو گونه قابل تصور است: یکی به گونه تعارض، یعنی به لحاظ نظری تبیینی که از مفهوم اهداف در هر نظامی انجام شده با هم ناسازگاری و تناقض داشته باشند. دیگر به نحو تزاحم، یعنی در مرحله پیگیری اهداف در عالم خارج و تحقّق آنها، امکان پیگیری همه اهداف با هم وجود نداشته باشد. اینکه چگونه بین اهداف تزاحم شکل می‌گیرد می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ ممکن است به سبب نارسایی در امکانات باشد؛ به‌طوری که با امکانات موجود نمی‌توان همه اهداف را با هم دنبال کرد یا امکانات کافی است؛ اما موانعی از ناحیه دیگران فراهم شده که امکان تحقق، همزمان اهداف وجود ندارد (میرمعزی، ۱۳۷۸). زمانی که امکان پیگیری همه اهداف وجود نداشته باشد، قاعده عقلی این است که متناسب با ملاک‌ها و شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری و یامقایسه بین اهداف وجود دارد، از قاعده تقدیم اهم بر مهم استفاده گردد.

۳. اهداف در اقتصاد اسلامی

اهداف نظام، اموری است که نظام و اجزایش برای رسیدن به آن سازمان‌دهی و طراحی می‌شوند. معمولاً این اهداف در سه طبقه دسته‌بندی می‌شوند؛ ۱) اهداف غایی، ۲) اهداف متوسط و کلی و ۳) اهداف عملیاتی و جزئی. اقتصاد اسلامی سعی دارد با به‌کارگیری دانش و کاربرد موازین و قواعد شریعت (قوانین اسلامی الهی) مانع از بی‌عدالتی در تحصیل و دسترسی به منابع مادی با هدف تأمین رضایت خاطر افراد و قادر نمودن آنها برای عمل به تعهدات‌شان در برابر خدا و جامعه گردد (حسن‌زمان[1]، ۱۹۸۴: ۵۰). ازاین رو اهداف در اقتصاد اسلامی در قالب کارکرد نظریات و نظام اسلامی قابل بررسی و تفکیک است و این دو سطح هدف را می‌توان در قالب کارکرد نظریات اقتصادی تلفیق نموده و به همین دلیل اهداف اقتصادی را می‌توان در سه سطح رتبه عالی (رفاه عمومی)، میانی (عدالت، امنیت و رشد اقتصادی) و مقدماتی (اشتغال کامل و تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها) طبقه‌بندی کرد.

اگر تزاحمی بین هدف رفاه عمومی و سایر اهداف شکل بگیرد، هدف عالی بر سایر اهداف مقدم بوده و درصورتی‌که بین سایر اهداف، تزاحمی پیش آید، هدفی که به هدف عالی نزدیک‌تر است درجه ارجحیت بیشتری دارد (یوسفی، ۱۳۸۷). برخی محققان با اشاره به روایتی از امام صادق(ع)؛ رشد، عدالت و امنیت اقتصادی را به‌عنوان سه هدف محوری در اقتصاد اسلامی یا نظام اقتصادی

[1] Hasanuzzaman

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

اسلام معرفی می‌کنند (میرمعزی،۱۳۹۰). دراین روایت امام صادق(ع) امنیت، عدالت و فراوانی را سه نیازعمومی تمامی انسان‌ها بیان شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۲۳۴).

ازدیدگاه شهید صدر تحقق اهداف اقتصادی از طریق شاخص‌هایی نظیر رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه به‌عنوان یک ابزار و راهی در جهت شکل‌گیری رفاه عمومی جامعه مطرح شده است (صدر،۱۳۸۷). با توجه به اینکه اهداف هر نظامی در شکل‌گیری رفتارهای نظام‌مند، تعیین نوع و مقدار ابزارها و روش‌های وصول به اهداف و ... مؤثر هستند، ازاین‌رو هر ابزاری که برای تحقق هدف در نظر گرفته شود باید بتواند سازگار و در راستای سایر اهداف عمل نماید.

۴. مالیات و اهداف سیاست مالیاتی

مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به‌منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منابع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین و به‌وسیله اهرم‌های اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود. موفقیت سیاست مالی در دست‌یابی به اهدافی چون افزایش نرخ سرمایه‌گذاری، تشویق سرمایه‌گذاری‌های مطلوب اجتماعی، افزایش فرصت‌های اشتغال، تثبیت شرایط اقتصادی در مقابل عدم ثبات بین‌المللی، مقابله با تورم و رکود اقتصادی و باز توزیع درآمد ملی می‌باشد که رسیدن به این اهداف، به حجم و چگونگی جریان درآمدها و هزینه‌های عمومی دولت بستگی دارد.

هر نظام مالیاتی براساس مبانی نظری، اخلاقی و اصول عملیاتی ویژه‌ای بنا شده است. اصول مالیاتی نیز موازین و قواعدی هستند که علاوه بر توجه به آن در هنگام وضع قوانین، دراجرا، عملیاتی‌کردن و تفسیر مقررات نیز باید آثار و پیامدهای آن را ملاحظه کرد. تغییردادن نظام مالیاتی کنونی به الگویی منصفانه، ساده، کارآمد و دلسوزانه جهت رفع موانع، رشد و گشایش مسیری به سوی آینده‌ای سرشار از ابداعات و موفقیت‌های بی‌نظیر یک چالش تاریخی است (استیگلیتز[1]، ۲۰۰۰: ۴۱۷).

کمیت و کیفیت مالیات‌ها به دیدگاه نظام اقتصادی درباره نحوه و اندازه دخالت دولت در اقتصاد، چگونگی تعامل دولت با بخش خصوصی در عرصه خدمات عمومی و مشروعیت حق دخالت دولت در بخش‌های اقتصادی - از جمله دریافت مالیات از جامعه- بستگی دارد. ضرورت دخالت دولت نیز به هزینه‌های مبادله همراه با آن و هزینه‌های رها کردن مشکل به سازوکار بازار بستگی دارد (کالیز و جونز[2]، ۹۸:۱۹۹۸).

[1] Stiglitz
[2] Kaliz& Jones

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

افزون بر اینکه مالیات‌ها اصلی‌ترین منبع درآمد دولت‌ها به‌شمار می‌آید، ابزار قـوی تنظیم اقتصادی و سیاست‌گذاری جهت تصـحیح شکست بازار، تأمین عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی و توزیع مجدد درآمد نیز محسوب می‌شود. در راستای نیل به این مقصود، وضع مالیات‌ها براساس اهداف درآمدی، توزیعی، تخصیصی و تثبیتی صورت می‌پذیرد. دولت باید با پرهیز از مالیات‌های اختلال‌زا، سیاست‌های مالیاتی را در جهت بهبود توزیع درآمد (به شرط نبود اختلال‌زایی) و کنترل قیمت‌های سوداگرانه دارایی‌ها و عایدات سرمایه‌ای و همگرایی تفاوت‌های بخشی تنظیم کند (شاکری، ۶۸۸:۱۳۹۵).

منابع مالی دولت اسلامی به‌لحاظ محل وصول آن به دو نوع درآمدهای مالیاتی و درآمدهای غیرمالیاتی تقسیم می‌شود. منظور از درآمدهای مالیاتی، منابعی مانند خمس ارباح مکاسب، زکات و مالیات‌های حکومتی است که به حکم قانون از درآمد و یا ثروت اشخاص اخذ می‌گردد و مصارف آنها معمولاً مشخص شده و دولت موظف است تا پس از جمع‌آوری، آنها را در موارد مربوطه هزینه نماید. درآمدهای غیرمالیاتی نیز شامل مواردی از قبیل انفال، فیء، غنایم و خراج است که از ثروت‌های طبیعی و یا منابع برون‌زا (مانند اراضی مفتوحه‌عنوه) به دست آمده و در مصالح عمومی جامعه هزینه می‌شود (حسینی، ۱۳۸۸). از منظر اقتصاد اسلامی اصولی نظیر عبادی بودن، وظیفه تلقی‌کردن پرداخـت مالیات، عدم انتقال مالیات، حداقل هزینه جمع‌آوری مالیات، تأمین مالی مخارج معین، ظرفیت مالیاتی، عدالت مالیاتی، برای نظام مالیـاتی در نظر گرفته شده است (جعفری صمیمی، ۱۳۸۸).

۵. سرمایه و عایدی آن

سرمایه، مالی است که از آن عایدی به‌دست می‌آید (فرهنگ، ۱۳۷۱) و از نظر جان بلاک[1]، سرمایه موجودی دارایی‌های مالی است‌که‌درآمدزا باشد(بلاک، ۱۹۹۷). سرمایه، موجودی دارایی‌های مالی است که بتوان از آن عایدی کسب نموده و درآمدزا باشد. سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، انسانی و اجتماعی جزء منابع تولیدی ارزشمند و ایجادکننده ثروت در هر جامعه محسوب می‌شوند. میزان برخورداری هر مجموعه اقتصادی از این سرمایه‌ها، تأثیر ویژه‌ای بر جایگاه و رتبه نظام حاکم بر آن جامعه دارد. میزان انباشت سرمایه و کیفیت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی در یک جامعه در شکل‌گیری فعالیت‌های مولد نقش به‌سزایی دارد.

در قرون وسطی و اوایل مدرن، سرمایه به‌معنای پول قابل سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌گذاری در تجارت بود. آدام اسمیت با دارایی‌های فیزیکی، ماشین‌ها و افراد به‌عنوان "سرمایه" رفتار می‌کرد و

[1] Black

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

این کاربرد متفاوت از آن زمان اقتصاد را تحت سلطه خود درآورد. در دوران قبل از اسمیت، به پول یا دارایی‌های قابل‌فروش دیگری اشاره داشت که می‌تواند به‌عنوان وثیقه استفاده شود(هودسن[1]، ۲۰۱۴).

مفهوم مالی سرمایه توسط اکثر واحدها در تهیه صورت‌های مالی خود اتخاذ می‌شود. تحت مفهوم مالی سرمایه، مانند پول سرمایه‌گذاری شده یا قدرت خرید سرمایه‌گذاری شده، سرمایه مترادف با خالص دارایی‌ها یا حقوق صاحبان سهام است. تحت مفهوم فیزیکی سرمایه، مانند قابلیت عملیاتی، سرمایه به‌عنوان ظرفیت تولید واحد تجاری براساس مثلاً واحدهای خروجی در روز در نظر گرفته می‌شود. انتخاب مفهوم مناسب سرمایه توسط یک واحد تجاری باید براساس نیازهای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی آن باشد. بنابراین، درصورتی‌که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی عمدتاً به حفظ سرمایه سرمایه‌گذاری اسمی یا قدرت خرید سرمایه سرمایه‌گذاری شده توجه داشته باشند، باید از مفهوم مالی سرمایه استفاده شود. اگر نگرانی اصلی کاربران با قابلیت عملیاتی واحد تجاری باشد، باید از مفهوم فیزیکی سرمایه استفاده کرد. مفهوم انتخاب شده نشان‌دهنده هدفی است که در تعیین سود باید به آن دست یافت، اگرچه ممکن است برخی مشکلات اندازه‌گیری در عملیاتی شدن مفهوم وجود داشته باشد.

منظور از دارایی هر حق مربوط به مال از جمله منفعت امانی، حق انتفاع یا منافع مشابه آن است. هر دارایی که در حساب درآمد نگهداری شود موجودی تجاری محسوب می‌شود. در ادبیات مالی، سرمایه‌گذاری عبارت است از به‌کارانداختن سرمایه به‌منظور کسب درآمد به شکل بهره، سود سهام، جایزه، بازنشستگی یا تغییر قیمت، خرید سهام، اوراق قرضه بدون وثیقه، چنین سرمایه-گذاری‌هایی منجر به دارایی مالی می‌گردد (ریاضی و ملکی، ۱۳۸۸).

۶. عایدی یا زیان سرمایه

عایدی سرمایه مبتنی بر این فرض است که درآمد مورد انتظاری که در زمان فروش دارایی برآورد می‌شود بیش از درآمد مورد انتظار پیش‌بینی شده قبلی (در زمان خرید) برای دارایی باشد. به‌عبارت دیگر، عایدی یا زیان سرمایه عبارت است از تفاوت بین ارزش فعلی درآمد مورد انتظار آتی دارایی که در زمان فروش برآورد می‌گردد از ارزش فعلی درآمد مورد انتظار آتی دارایی که زمان خرید پیش‌بینی شده بود. به بیانی ساده‌تر عایدی (زیان) دارایی سرمایه‌ای حاصل تغییر در انتظارات مرتبط با توان تولیدی بالقوه (توان بالقوه ایجاد درآمد) دارایی است (تقوی و همکاران، ۱۳۸۸).

[1] Hodgson

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

سه متغیر در تعیین ارزش یک دارایی اثرگذار هستند؛ وضعیت آینده این درآمد یا درآمد مورد انتظار دارایی در آینده، برآورد ارزش دارایی در هنگام اسقاط، نرخ تنزیلی که برای تبدیل جریان درآمدی آتی و ارزش ناشی از اسقاط برای زمان حال به‌کار برده می‌شود (تقوی و همکاران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر بازدهی سرمایه نیز به دو صورت پرداخت‌های مربوط به بهره و توزیع سود سهام و عواید سرمایه شکل می‌گیرد (استیگلیتز،۱۳۹۲: ۲۷۵).

تغییر قیمت دارایی در اثر علل خارجی عایدی واقعی است و تغییر در قیمت در اثر برآورد غلط استهلاک، عایدی غیر واقعی است (تقوی و همکاران، ۱۳۸۸). از این‌رو عایدی واقعی در مقابل عایدی غیرواقعی در تغییر ارزش یک دارایی ممکن است ناشی از علل بیرونی که مرتبط با فرآیند تولید نیست (کمبود دارایی‌های جدید در بازار، افزایش در قیمت محصولاتی که دارایی تولید می‌کند و یا تغییر در نرخ بهره بازار) و یا ناشی از علل درونی که مربوط به فرآیند تولید هستند (خطا در پیش‌بینی‌های موجود در مورد میزان استهلاک واقعی دارایی و یا توانایی آن در تولید واحدهای محصول بیشتر از آنچه در زمان خرید دارایی پیش‌بینی می‌شد) ایجاد شود.

اگرچه درخصوص دامنه دارایی‌های مشمول عایدی سرمایه در بین کشورهای مختلف تفاوت‌های اساسی وجود دارد، ولی این مالیات از عایدی دارایی‌های مختلف همانند آپارتمان، زمین، باغ، بنگاه اقتصادی، وسایل نقلیه موتوری، نشان‌های افتخار، ارز خارجی، ماشین‌آلات، سهام بنگاه‌های اقتصادی، تابلوهای نقاشی و یا آثار هنری می‌تواند اخذ شود (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰).

بنابراین گاهی اوقات قیمت واقعی فروش دارایی کمتر از قیمت واقعی خرید آن است و گاهی هزینه‌های نگهداری دارایی و هزینه مبادله بیش از عایدی سرمایه است. در این مورد اصطلاحاً صاحب دارایی دچار زیان سرمایه شده است.

۷. مالیات بر عایدی سرمایه

افزایش در سرمایه زمانی رخ می‌دهد که دارایی فروخته شود و شامل تفاوت بین مبنای (معمولاً) قیمت خرید و قیمت فروش باشد(گران‌ول[1]، ۲۰۱۸)، در این حالت مالیات از عایدی واقعی سرمایه – تعدیل‌شده به‌وسیله تورم- و درصورتی‌که ارزش فعلی دارایی سرمایه‌ای، بیشتر از ارزش آن در زمان خرید باشد، دریافت می‌شود. این مالیات نزدیک به یک قرن است که بر عایدات سرمایه‌ای ناشی از سرمایه‌گذاری در تملک دارایی وضع شده و سیاست‌ها و قوانینی که مرتبط با وضع این مالیات است، هم در کشورها و هم افراد و هم برای شرکت‌ها متفاوت بوده و مالیاتی است که به‌منظور کسب درآمد دولت وضع نشده و هدف اصلی آن هدایت صحیح نقدینگی، کنترل سود

[1] Granvelle

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

ناشی از فعالیت‌های سوداگرانه بوده و از لحاظ ماهیت، مالیات بر ثروت و مالیات مضاعف محسوب نمی‌شود.

ساختار بازدهی خالص عایدی سرمایه ایجاد شده بعد از وضع مالیات بر عایدی دارای ویژگی وابستگی است. منظور از وابستگی زمانی[1] این است که نرخ بازدهی کوتاه مدت (جاری) حاصل از نگهداری زمانی یک دارایی وابسته به طول دوره زمانی نگهداری دارایی است.

اگر بنا برگرفتن مالیات از بازده سرمایه است، عاقلانه خواهد بود که از همه انواع بازده سرمایه، از جمله عواید سرمایه نیز مالیات گرفته شود. بر همین مبنا، کاهش در ارزش یک دارایی، به معنی بازده منفی است و باید ضرر حاصل از آن را از دیگر بازده‌ها کسرکرد تا بازده خالص به‌صورت دقیق محاسبه شود. مشکل این است که اندازه‌گیری افزایش یا کاهش ارزش یک دارایی معمولاً کار ساده‌ای نیست. الگوهای مالیاتی در مناطق مختلف جهان با بخشودن منفعت مشکوک به مودیان مالیاتی به مواجهه با این مشکل پرداخته‌اند. به این صورت که در مورد عواید سرمایه، معمولاً تا زمانی که عواید تحقق نیافته است، یعنی تا زمانی که دارایی عملاً فروخته نشده است، فرد ملزم به پرداخت مالیات نیست (استگلیتز، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

اگر دارایی از نوع دارایی‌هایی باشد که برای آن بازار فعال وجود داشته باشد نظیر بازار سهام و اوراق مشارکت، گرفتن مالیات از عواید سرمایه با پایه سالانه، از طریق مقایسه ارزش دارایی در انتهای سال با ارزش آن در ابتدای سال می‌تواند صورت گیرد. تفاوت این دو ارزش نشان‌دهنده عواید سرمایه است. این نظام به روزآوری به بازار[2] نامیده می‌شود. برای بسیاری از دارایی ها همانند املاک و مستغلات، اظهار نظر دقیق در مورد ارزش غیرممکن است تا زمانی که بتوان معامله صورت گرفته را بررسی نمود. این امر موجب به‌وجود آمدن این نگرانی است که برخورد با برخی دارایی‌ها به‌صورتی و با دارایی‌های دیگر به‌صورت دیگر، نه تنها موجب سردرگمی می‌شود، بلکه جهت‌گیری غیراصولی را در انتخاب دارایی‌ها ایجاد می‌کند.

عواید سرمایه تنها شکل دیگری از دریافت بازده برای سرمایه است، بنابراین افراد باید همانند دیگر بازده‌ها برای آن مالیات بپردازند، با این حال مشکلاتی جدی در اندازه‌گیری عواید و ضررهای سرمایه وجود دارد که در حالت ایده‌آل لازم است برای جلوگیری از کاهش ارزش واقعی سرمایه و یا تحمیل مالیات سنگین بر عایدی سرمایه در اثر اخذ مالیات، مالیات بر بازده واقعی وضع شود و نه بازده اسمی، یعنی باید با شاخص‌بندی کامل، اثر تورم را تعدیل کرده و شاخص‌سازی تورم انجام

[1] duration dependent
[2] marking-to-market

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

گیرد زیرا شاخص‌سازی تورم عایدی واقعی سرمایه در شرایط تورمی را محاسبه می‌کند (زایر و همکاران، ۱۳۸۶).

در جهت تحقق اهداف سیاست‌های مالی مانند تخصیص منابع، توزیع مجدد در آمد، تثبیت اقتصادی و تأمین بودجه دولت در جهت تأمین آزادی انسان‌ها، توزیع مجدد در آمد، سرمایه‌گذاری زیربنایی و تأمین بودجه با اتکا بر اصل بنیادین عدالت، نیاز به ابزارهایی است که این اهداف را محقق نماید. این مهم از نظر اقتصاد اسلامی دور نمانده است، بنابراین مالیات‌های اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین مالی مخارج دولت از اهمیت خاصی برخوردار است. در اقتصاد اسلامی برای توزیع مجدد درآمدها و ثروت‌ها سیاست‌های تکلیفی و تشویقی قرار داده شده است؛ مانند مالیات مستقل (ثابت) و متغیر.

یکی از سیاست‌های تکلیفی مالیاتی به‌عنوان یک ابزار مالیاتی، خمس بوده که با توجه به نسبی بودن آن و انگیزه دریافت آن از سود خالص تولیدکنندگان یا ارزش افزوده فعالیت‌های آنان، می‌تواند یک ابزار مهم سیاست مالی مورد استفاده قرارگیرد که به جهت ارتباط موضوعی این نوع مالیات با مالیات بر عایدی سرمایه در ادامه به آن اشاره شد تا سازگاری مالیات بر عایدی سرمایه با مفهوم خمس در راستای تحقق اهداف اقتصاد اسلامی بررسی شود.

۸. ارتباط خمس و مالیات بر عایدی سرمایه

برخی از مالیات‌ها، مالیات‌هایی هستند که از صدر اسلام رایج بوده و برای وضع آن نیز دلایل خاص در قرآن، سند و روایات وجود دارد. زکات، جزیه، خراج و خمس جزء این نوع مالیات‌ها بوده که در دسته مالیات‌های مستقل و ثابت قرار می‌گیرند. نوع مصرف هریک نیز توسط شارع تعیین گردیده و ازاین‌رو نه چیزی می‌توان به آن افزود و نه چیزی از آن کاست. نوع دیگری از مالیات وجود دارد که در طول زمان و با پیشرفت اجتماع و پیچیده شدن شئون زندگی توسط دولت اسلامی تعیین و تصویب می‌گردد.

قوانین مالیاتی جدید، از نظر کم و کیف ثابت نیستند و براساس شرایط زمانی و نیازهای دولت اسلامی و جامعه تنظیم گردیده و از دیدگاه فقهی از لوازم حکومت اسلامی و جامعه اسلامی می‌باشد.

خمس عبارت است از ادای یک پنجم از اموالی که زاید بر مخارج زندگی باشد، به مستحقان خاص آن(خزائلی، ۱۳۶۱). ازاین‌رو خمس یکی از فرائضی است که خداوند متعال برای رسول خدا(ص) و ذریه‌اش به‌جای زکات و برای اکرام آنان واجب قرار داده است (الیزدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲: ۳۶۶). شاخص‌هایی که برای خمس قرار داده شده است، عبارت است از:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۱- پایه مالیاتی خمس، شامل هر نوع درآمد، ثروت، پس‌انداز، انتقـال دارایـی است که نشان می‌دهد دارای تنوع بسیاری است؛

۲- بررسی نرخ معین خمس (۲۰٪) نشان می‌دهد در سود کسب، پس از معافیت هزینه سالیانه، محاسبه مالیات خمس نسبت به درآمد سالیانه افراد باعث می‌شود، میزان خمس از ۲۰ ٪ کمترشود. دلیل این مسأله این است که اگر مقدار پس انداز به‌طور متوسط ۳۰٪ تعیین گردد، خمس ۳۰ ٪ پس‌انداز نسبت به درآمد کل ۶ ٪است. مقایسه نرخ مالیات ثابت خمس با نرخ‌های مالیاتی نشان می‌دهد که نرخ ۲۰٪ نرخ بالایی نیست.

۳- با توجه به تنوع انواع دارایی‌ها، خمس منبع مالی بسیار مناسبی برای پشتیبانی هزینه‌های عمومی به حساب می‌آید.

۴- نرخ ثابت خمس باعث می‌گردد به کارایی اقتصاد ضرری وارد ننموده و از این‌رو از نظر عملیاتی دارای سهولت و سادگی خیلی خوبی است.

۵- شمولیت خمس برای افراد حقیقی است، چه بالغ شده باشند و چه صغیر؛

۶- تعلق و محاسبه خمس به‌صورت مستقل از درآمد اختصاصی هر فرد؛

۷- تنوع درآمدها و تعلق خمس به تمامی موارد (رضایی، ۱۳۸۹) ؛

باتوجه به آنچه بیان شد، هیچ درآمدی از دایره شمول خمس خارج نشده است، به‌علاوه اینکه در پرداخت خمس علاوه بر هزینه کسب، هزینه زندگی نیز از محاسبه خمس خارج می‌شود. خمس ارباح مکاسب مشابه مالیات بر پس‌انداز سالیانه است. به منافع سالیانه حاصل از کسـب و کار فرد پس از کسر هزینه‌های مصرف شده طی آن سال خمس تعلق می‌گیرد (امام خمینی، تحریرالوسـیله، ج۱: ۳۶۲-۳۵۶).

یکی از موارد مشمول خمس، خمس ارباح مکاسب و پس‌انداز سالیانه بوده که متعلق خمس آن درآمد خالص سالیانه بوده و شامل مالیات بر مازاد خالص درآمد و مالیات بر نفع ایجاد شده از به‌کارگیری سرمایه در تولید و تجارت در یک سال مالی یا سال خمسی است. مالیات مازاد بر خالص درآمد به مازاد درآمدی تعلق می‌گیرد که در پایان یک سال پس از آنکه خانوار در حد کفاف و ضروری، از میزان درآمد اسمی خود مصرف کرد، برایش باقی مانده باشد (پورفرج، ۱۳۸۹). توجه به این نکته لازم است که هزینه‌های متعارف زندگی از پرداخت مالیات معاف بوده و از این‌رو اگر بخشی از درآمد در پایان سال به‌صورت پس‌انداز باقی مانده و یا به‌صورت تشکیل سرمایه باشد، مشمول خمس بوده و تنها درصورتی این میزان از تشکیل سرمایه از پرداخت خمس معاف می‌گردد که اگر خمس آن خارج گردد نتوان با باقی مانده آن درآمد کسب کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

اگر درسال‌های بعد اضافه‌ای در سرمایه ایجاد شود باید اضافه در سرمایه بررسی گردد که از چه نوعی است. گاه اضافه به‌گونه‌ای است که از اصل سرمایه قابل‌تفکیک است؛ به‌عبارتی اضافه به‌صورت عین منفصل است و گاه به‌صورتی است که از اصل سرمایه قابل تفکیک نبوده و این زیادی به اصطلاح عین متصل می‌باشد و گاهی نیز به سرمایه اضافه می‌شود، به‌عبارتی قیمت بازاری سرمایه اضافه می‌شود بدون آنکه به عین آن اضافه شود (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰).

بررسی آراء فقها در زمینه نماء منفصل نشان می‌دهد که به این نماء خمس تعلق گرفته و تفاوتی ندارد که به نگهداری از عین سرمایه به قصد منعفت ناشی از عین بوده و یا منفعت ناشی از نماء منفصل (الحسینی السیستانی، ج۱: ۳۹۴، الطباطبایی الیزدی، ج۴: ۲۷۸ و الخویی، ج۲: ۳۴۸).

اگر زیادی به‌صورت نماء متصل بود (الامام الخمینی، ج۱ :۳۳۷ و ۳۳۸) اگر سرمایه را به قصد تکسب از عین آن نگهداری کرده خمس به نماء متصل هم تعلق می‌گیرد ولی اگر به قصد بهره‌برداری از نماء منفصل نگهداری کرده باشد در این صورت خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و اگر برای استفاده در زندگی نگه داشته فقط به مازاد از سال آن خمس تعلق می‌گیرد (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

خمس ارتفاع قیمت نیز درصورتی واجب است که امکان فروش عین را داشته باشد و یا فروخته شود (الامام الخمینی، ج۱ :۳۳۶ و الطباطبایی الیزدی، ج۴، ۲۹۰-۲۷۸). ولی اگر سرمایه را برای بهره‌برداری از آن خریداری کرده است خمس آن قبل از خرید و فروش واجب نیست (الامام الخمینی، ج۱: ۳۳۶) ولی اگر آن را فروخت خمس به مقدار زیادی به‌نظر برخی از فقهاء تعلق می‌گیرد و جزو درآمدی سال جدید است که در آخر سال درصورت اضافه خمس به آن تعلق می‌گیرد (الحسینی السیستانی، ج۱ : ۳۹۵ و السید الخویی، ج۲ :۳۴۹).

۹. ارتباط خمس، تورم و مالیات بر عایدی سرمایه

تورم مشکلات متعددی را برای تعریف درآمد حاصل از سرمایه ایجاد می‌کند. از این‌رو با توجه به آنچه بیان شد، برخی به‌دنبال گرفتن مالیات از بازده واقعی سرمایه هستند و نه بازده اسمی. اگر فردی مالک یک دارایی باشد و ارزش آن ۱۰ درصد افزایش یابد، اما قیمت‌ها نیز به‌طور عمومی ۱۰ درصد بیشتر شوند، بهبود در وضعیت فرد رخ نداده است، اگرچه عایدی اسمی سرمایه مثبت است ولی عایدی واقعی سرمایه فرد صفر است. اولین پیامد وجود تورم آن است که افرادی که بازده واقعی مثبت اندکی قبل از مالیات داشته‌اند، پس از مالیات به این نکته می‌رسند که میزان قابل ملاحظه‌ای بازده منفی برای آنها ایجاد شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

با توجه به اینکه این تغییرات، افزایش اسمی قیمت کالاست و نه حقیقی، در شمول یا عدم شمول خمس بر این افزایش قیمت بررسی فتاوی فقهی فقها نشان می‌دهد که معمولاً به احتیاط واجب حکم شده است که اضافه قیمت ناشی از تورم مشمول خمس است (منتظری؛ رساله استفتائات، ج ۱ : ۸۱ و۸۲). از سوی دیگر برخی از فقها نیز افزایش در قیمت سرمایه ناشی از تورم چه به قصد تجارت نگهداری شود و یا بفروشد و یا به غیرقصد تجارت نگهداری کند و بفروشد خمس آن را واجب نمی‌دانند (الشیخ مرتضی الحائری ، :۱۶۳ ؛ الطباطبایی الیزدی مع تعلیقات السید عبدالکریم الموسوی الاردبیلی ، ج۲ : ۱۸۲ بهجت ج۳ :۱۰۱ ، شبیری زنجانی : ۳۶۶ مسأله۱۷۷۹).

۱۰. مقایسه خمس و مالیات بر عایدی سرمایه

سرمایه مذهبی موجب تقویت بسیاری از ساختارهای جامعه می‌شود؛ به‌طور مثال این سرمایه می‌تواند به‌لحاظ اجتماعی، باعث گسترش نهادهای مشارکتی و تعاونی شده و گسترش این نهادها زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی است (غفاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹).

خمس، محرکی مفید برای جلوگیری از انباشت پس‌انداز راکد و بی‌ثمر در مسیر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است و از این‌رو خمس بر درآمد مازاد سبب می‌شود حرکت به سمت سرمایه‌گذاری شکل گرفته و درواقع می‌تواند مکمل رشد گردیده و حتی اگر خمس بر منفعت سرمایه تعلق گیرد، چون سرمایه، محرک تولید و مالیات برخمس بر منفعت خالص تعلق می‌گیرد، اثری منفی بر رشد ندارد. توجه به این نکته ضروری است خمس بر دارایی و ثروت و پس‌انداز، اثر کاهنده نداشته و دارای اثر رشد و توسعه‌ای در فرآیند اقتصادی است. همان‌طور که بیان شد از نظر فقه اسلامی، تعلق خمس به منفعت سرمایه، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با وضع مالیات بر عایدی سرمایه دارد که در جدول زیر به‌طور خلاصه به آن پرداخته شده است:

جدول ۱. شباهت‌ها و تفاوت‌های مالیات بر عایدی سرمایه با خمس

شاخص	انطباق با دستورات شرعی	انطباق با قوانین مالیاتی
مشمولین	اشخاص حقیقی	اشخاص حقیقی و حقوقی
پایه مالیاتی	اصل سرمایه	اصل سرمایه
شرط تعلق مالیات	نگهداری سرمایه به قصد تجارت	پس از فروش
سال مالیاتی	سال خمسی	زمان نقل و انتقال
نرخ مالیاتی	۲۰٪ ثابت	نرخ جداگانه
کسرتورم	تغییر قیمت سرمایه به هر دلیل	کسر تورم از مقدار تفاوت قیمت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

هدف وضع مالیات	هدف ثابت کسب درآمد	اهداف متغیر
معافیت‌های مالیاتی	متعلق خمس شمول همه دارایی‌ها	درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی
هزینه‌های سرمایه‌ای	تعلق خمس به شرط ایجاد تغییرات اساسی در دارایی و اضافه ارزش	معاف از مالیات

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۱. سیاست‌ها و قوانین مالیات بر عایدی سرمایه

کشورهای جهان برای تنظیم اقتصاد، تضعیف فعالیت‌های غیرمولد و هدایت سرمایه‌ها به‌سمت فعالیت‌های تولیدی، از ابزار مالیات استفاده می‌نمایند؛ درواقع مالیات علاوه بر درآمدزایی، ابزار «تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری» در اقتصاد است. مالیات بر منافع سرمایه به این دلیل وضع شده است که از نوع مالیات بر درآمد بوده و مودی مالیاتی می‌تواند از این مالیات مانند سایر مالیات‌ها استفاده نماید. این سبب شده است که وضع مالیات بر عایدی سرمایه برای افراد و شرکت‌ها در کشورهای مختلف متفاوت گردد. اگر سیاست‌ها و قوانین موجود در زمینه مالیات بر عایدی سرمایه بررسی شود مشاهده می‌شود که در موارد ذیل با هم تفاوت دارند:

۱. بسیاری از کشورها مالیات جداگانه‌ای بر منافع سرمایه‌ای وضع نموده‌اند. سایر کشورها این منافع را به همان نرخ‌های مربوط به درآمدهای عادی مشمول مالیات قرار می‌دهند؛

۲. تفاوت در قوانین مالیاتی مرتبط با عایدی سرمایه افراد و قوانین مالیاتی مرتبط با عایدی سرمایه شرکت‌ها؛

۳. در برخی از کشورها (کانادا، استرالیا، امریکا) قوانین مربوط به عایدی سرمایه بخشی از قانون کلی مالیات بر درآمد است، اما در برخی دیگر از کشورها مانند انگلستان بر عایدی سرمایه به موجب قوانین مجزایی (متفاوت از قوانین مربوط به مالیات بر درآمد) مالیات وضع می‌شود.

۴. برخی از کشورها مالیات بر منافع سرمایه‌ای را فقط در مورد فروش دارایی‌های معینی اعمال می‌کنند که از آن جمله می‌توان اموال غیرمنقول،کشتی، اوراق بهادار وآثار هنری را نام برد (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰).

بررسی مفاد قانونی نشان می‌دهد لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و همچنین اصلاحات بعدی آن، در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۱ با هدف سامان‌دهی معاملات سوداگرانه در قانون مورد توجه قرار گرفته است. یکی از دغدغه‌های مندرج در مواد مختلف این لایحه، سامان‌دهی معاملات سوداگرانه در بازار مسکن است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

در ماده ۷[۱] و ۹ لایحه و همچنین در ماده ۵ الحاقی لایحه، درخصوص سامان‌دهی تعداد معاملات افراد و ارزش معاملاتی آن، ارزش معاملاتی املاک، وضع مالیات بر ثروت و دارایی افراد مورد توجه قرار گرفته است. بررسی مفاد هر یک از این مواد نشان می‌دهد که یک نکته مهم که چگونگی مدیریت و محدودیت و وضع مالیات بر فعالیت‌های سوداگرانه می‌باشد مغفول مانده است. در طراحی قانونی نظام مالیات بر عایدی سرمایه باید معیارهای زیر رعایت شود:

۱. حذف آثار تورمی و لحاظ استهلاک در افزایش عایدی سرمایه؛

۲. هدف‌گیری معاملات سوداگرانه با تمیز قائل شدن میان بلندمدت و کوتاه‌مدت؛

۳. تعریف درآمد مشمول مالیات به نحوی که هزینه‌های تعمیر نگهداری را از شمول مالیات خارج کند و انگیزه‌های نگهداری دارایی با هدف اجتناب مالیاتی را کاهش دهد؛

۴. تعریف معافیت‌های مالیاتی با هدف ترغیب انگیزه‌های مصرفی و سرمایه‌ای و کاهش انگیزه سوداگرانه؛

۵. وضع مالیات بر عایدی سرمایه بر اشخاص حقیقی و حقوقی؛

۶. حذف انواع مالیات بر نقل و انتقال؛

۷. برخورد یکسان با عایدی انواع دارایی‌های افراد[۲].

باتوجه به اهمیت موضوع، طرح قانون مالیات بر عایدی سرمایه در جلسه مورخ ۱۳۹۹,۷,۲۹ با اصلاح در عنوان و متن به تصویب کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی رسید. عنوان فصل اول باب دوم قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۰۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن به «مالیات بر عایدی سرمایه» اصلاح و ۹ ماده که درخصوص مشمولین مالیات، مدت تملک دارایی، نرخ پایه مالیات، مبنای محاسبه عایدی املاک، نقل و انتقال و ... به آن الحاق شد.

گرچه دامنه انواع دارایی‌های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه با توجه به اهداف مدنظرکشورها متفاوت است، اما بررسی نظام‌های مالیاتی برخی ازکشورها نشان می‌دهد که طیف وسیعی از دارایی‌ها با در نظرگرفتن برخی استثنائات، در پایه مالیات بر عایدی سرمایه قرار دارند. با این وجود، املاک و مستغلات و همچنین سهام دو دارایی عمده‌ای هستند که تقریباً در تمام کشورها، در پایه مالیات عایدی سرمایه حضور دارند (زایر و همکاران، ۱۳۹۸). برخی از دارایی‌ها در چارچوب‌های خاص و به‌دلایل مختلف از پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه معاف هستند. قاعده کلی این است که

---

[۱] در ماده ۷ لایحه پیش‌بینی شده است که اگر شخصی در یک سال بیش از دو معامله انجام دهد، از معامله سوم به بعد به ازای هر معامله اضافی ۵ درصد به نرخ مالیات بر نقل و انتقال قطعی املاک اضافه می‌شود و حداکثر آن در معامله یازدهم به ۵۰ درصد ارزش معاملاتی ملک می‌رسد.

[۲] لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن، دوره نهم، سال اول، ۱۳۹۱، کد موضوعی ۲۲۰

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

دارایی‌های که برای استفاده شخصی خریداری می‌شوند و همچنین دارایی‌هایی که از آنها در فرآیند تولید کالا و خدمات استفاده می‌شود (تجهیزات، ماشین‌آلات و دارایی‌های ثابت)، در پایه مالیات بر عایدی سرمایه قرار نگیرند. همچنین دارایی‌هایی که با زیان سرمایه‌ای مواجه شده‌اند، از پرداخت این نوع مالیات معاف می‌شوند.

جدول ۲. دارایی‌های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه

املاک و مستغلات (زمین و ساختمان)	مستحدثات عمده در عرصه (زمین)
سرقفلی	مجموعه اشیاء قیمتی (کلکسیونی)
ارزهای خارجی	معادن و یا حقوق استفاده از معادن
طلا، جواهر و زیورآلات (سرمایه‌گذاری)	اجاره مجوزهای قانونی
سهام و انواع اوراق بهادار	صندوق‌های سرمایه‌گذاری
حقوق قراردادی	جوازها

منبع: یافته‌های تحقیق

علیرغم اینکه در برخی از کشورها، نظیر استرالیا، آمریکا، انگلستان و غیره، اغلب دارایی‌های افراد مشمول مالیات برعایدی سرمایه هستند، اما در تمام کشورهای مجری، بخش قابل‌توجهی از پایه مالیات بر عایدی سرمایه را املاک و مستغلات و سهام تشکیل می‌دهند. بدون تردید، درصورتی‌که مالیات بر عایدی سرمایه تنها بر برخی از اقلام موجود در سبد دارایی‌های افراد وضع شود، ترکیب دارایی‌های افراد به نفع دارایی‌های معاف از مالیات تغییر پیدا خواهد کرد و این موضوع به نوبه خود پیامدهای منفی زیادی بر رفتار سرمایه‌گذاری، تورم، رشد اقتصادی و غیره برجای خواهد گذاشت. در این راستا، لازم به‌ذکر است هرچند املاک و مستغلات و سهام به‌عنوان بخش لاینفک پایه این نوع مالیات در همه کشورها می‌باشد ولی وجود سایر دارایی‌ها نظیر طلا و ارز به اهمیت و وزن این نوع دارایی‌ها در سبد دارایی افراد بستگی دارد. به‌طور کلی، در شرایط فعلی کشور، توجه به این موضوع در هنگام تصمیم‌گیری راجع به پایه مالیات بر عایدی سرمایه بسیار ضروری می باشد[۱].

[۱] راهنمای طراحی مالیات بر عایدی سرمایه (مروری بر مبانی نظری، تجارب جهانی و الگویی برای ایران)، معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل، دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۷

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

جدول۳. دارایی‌های غیرمشمول (معاف) مالیات بر عایدی سرمایه

مسکن اصلی[۱]	دارایی‌های استهلاک‌پذیر صرفاً برای فعالیت‌های مشمول مالیات
خودرو و موتورسیکلت شخصی قایق تفریحی	لوازم استفاده/ مصرف شده در ملک اجاری
برخی زیان های سرمایه‌ای[۲]	تمام دارایی‌هایی قبل از وضع مالیات بر عایدی سرمایه
دارایی‌هایی خریداری شده برای مصرف شخص	مجموعه اشیاء قیمتی با ارزش کمتر از یک حد مشخص

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۲. اثرات اقتصادی مالیات بر عایدی سرمایه

در این بخش نشان داده می‌شود که دریافت مالیات بر عایدی سرمایه مانند هر قانون و مقرراتی می‌تواند تأثیرات قابل‌ملاحظه بر اقتصاد و تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی بگذارد. از مهم‌ترین تأثیراتی که می‌تواند این ابزار داشته باشد، از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی، توزیع درآمد، انتخاب نوع دارایی، هدایت سرمایه و نقدینگی به فعالیت‌های مولد، کاهش نابرابری اقتصادی، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و افزایش ثبات و پیش‌بینی پذیری می‌باشد که در ذیل به مهم‌ترین آن اشاره خواهد شد:

۱۲-۱. اهرم سیاستی جدید برای سیاست‌گذار

مالیات بر عایدی سرمایه ابزار و اهرمی است که می‌تواند دولت را در جهت مدیریت منابع در بازارهای گوناگون یاری کند. درواقع نقش سیاستی مالیات بر عایدی سرمایه در مقابل نقش درآمدی آن بسیار پررنگ‌تر است. این نوع مالیات زمینه تغییر رفتار مخاطب را فراهم کرده و با کنترل منافع بازیگران اقتصادی سیاستی بهینه در جهت منافع عمومی اتخاذ خواهد کرد. تحرک و جریان سرمایه و همچنین تصمیمات سرمایه‌گذاری به‌طور مستقیم از مالیات بر عایدی سرمایه اثرپذیر بوده و این مالیات دستیابی سرمایه‌گذاران نوپا به منابع سرمایه‌ای را تحت تأثیر خود قرار داده و از این طریق توانمندی بالقوه رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد، از این‌رو اخذ مالیات از عایدات سرمایه در شرایط تورمی می‌تواند موجب تحمیل زیان بر صاحبان سرمایه شود. وقتی اقتصاد در شرایط تورمی باشد، ارزش اسمی نمی‌تواند نماینده رشد ارزش واقعی باشد و این افزایش

[۱] مسکن ملکی تحت سکونت مالک دارایی و یا با نرخی کمتر از سایر دارایی‌ها

[۲] غیرقابل پذیرش به‌عنوان هزینه قابل‌قبول یا قابل کسر از پایه مالیاتی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

ارزش اسمی به سبب جبران ارزش در حال تنزیل دارایی در اثر تورم است و نمی‌توان آن را عایدی سرمایه و رشد ارزش واقعی دارایی دانست(بورمن و دبورث[1]، ۲۰۰۴). از این‌رو سیاست‌گذار باید بتواند درخصوص چگونگی به‌کارگیری از این ابزار در دوره‌های زمانی مختلف و با لحاظ شرایط اقتصادی اقدام نماید.

۱۲-۲. هدایت سرمایه و نقدینگی به فعالیت‌های مولد و رشد اقتصادی

مهم‌ترین پیامد مالیات بر عایدی سرمایه هدایت و تخصیص بهینه منابع است. این نوع مالیات با کاهش ریسک قیمتی در بازار علاوه بر ثبات بخشی به بازارها و کم‌رنگ کردن فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه، موجب بهبود محیط کسب و کار می‌شوند[2].

دولت‌ها برای ایجاد فرصت و از میان بردن ضعف‌ها و تهدیدها در بخش‌های مختلف اقتصاد، ابزارهای متنوعی دارند. ابزاری برای دولت با ارزش‌تر است که بتواند در زمان کوتاه و با کمترین هزینه، بهترین اثربخشی را داشته باشد. مالیات بر عایدی سرمایه ابزار و اهرمی است که می‌تواند دولت را در مدیریت منابع در بازارهای گوناگون یاری کند. درواقع نقش سیاستی و تنظیم‌گری مالیات بر عایدی سرمایه، در مقابل نقش درآمدی آن بسیار پررنگ‌تر است. معافیت برخی درآمدها از مالیات، موجب انحراف سرمایه‌گذاری در اقتصاد می‌شود؛ به‌ویژه آنکه معافیت مالیاتی، بر فعالیت‌هایی اعمال شده باشد که برای اقتصاد ارزش افزوده مشخص و قابل توجیه ندارد. وضع مالیات بر عایدی سرمایه با تمرکز بر فعالیت‌های غیرمولد، موجب تغییر این شرایط شده و فضایی را فراهم می‌کند که سرمایه ها، دیگر انگیزه ای برای حرکت به سمت اقدامات سوداگرانه و بدون منفعت برای کل اقتصاد نداشته باشد.[3]

وایتهد (۲۰۱۷)[4] بیان می کند که با اعمال مالیات بر عایدی سرمایه، سرمایه‌ها به سمت مولد بودن حرکت می‌کند. بدین صورت که سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد و سوداگرانه که سود سریع به همراه داشته‌اند، مشمول مالیات می‌شوند و فعالیت‌های مولد اقتصادی در همه سطوح برای سرمایه‌گذاری جذاب‌تر خواهند شد. بدین ترتیب صاحبان کسب‌وکار از سرمایه‌گذاری در بلندمدت که با کاهش نوسانات ای همراه است، راضی‌تر خواهند بود.

---

[1] Leonard Burman & Deborah Kobes

[2] گزارش واکاوی ابعاد اقتصادی اخذ مالیات بر عایدی سرمایه با تاکید بر بخش املاک

[3] گزارش معاونت پژوهش، برنامه ریزی و امور بین الملل سازمان امور مالیاتی، ۱۳۹۷

[4] Matthew C. Whited. 2017, The actual implications of a capital Gains Tax

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

کانال‌های مهمی که از طریق آنها مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز می‌باشند. مالیات بر عایدی سرمایه از دو کانال عمده می‌تواند سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد:

یکی از طریق افزایش در هزینه سرمایه است، هنگامی که نرخ مالیات بر عایدی سرمایه افزایش می‌یابد بازدهی سرمایه‌گذاری کاهش یافته و هزینه سرمایه‌گذاری کاهش یافته و هزینه سرمایه افزایش می‌یابد. هنگامی که بازدهی سرمایه‌گذاری کم باشد سرماهی‌گذاری و حجم سرمایه در اقتصاد کاهش می یابد. در شرایطی که کشش سرمایه نسبت به هزینه سرمایه اندک باشد، تحلیل فوق چندان نمی‌تواند مقبول باشد. مکانیسم دومی که از طریق آن مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد اثر قفل شدن دارایی‌ها است. همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد این به‌دلیل تحریک نمودن سرمایه‌گذاران در به تأخیر انداختن فروش دارایی‌های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه است. این استدلال زمانی صحیح است که نرخ بازدهی مربوط به سرمایه‌گذاری‌های ریسکی جدید به اندازه کافی بزرگ نیست تا هزینه مالیات پرداخت شده به دلیل فروش دارایی قبلی (مالیات بر عایدی سرمایه) را جبران نمایند.

همچنین برای جلوگیری از اثر منفی مالیات بر عایدی سرمایه بر رشد اقتصادی باید نرخ مالیات به‌گونه‌ای تعریف گردد که شاهد خروج سرمایه‌های بومی و کاهش ورود سرمایه‌های خارجی و یا به‌عبارت دیگرکاهش جریان سرمایه شکل نگیرد (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰) .

۱۲-۳. کاهش نابرابری اقتصادی ناشی از ثروت و دارایی

با افزایش قیمت دارایی‌ها در دست صاحبان دارایی و عدم دریافت مالیات، انگیزه‌ها برای کسب سود از تولید و ایجاد ارزش افزوده، به سمت افزایش قیمت دارایی بدون ایجاد ارزش افزوده حرکت می‌کند و بدین ترتیب، ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند و فقرا فقیرتر می‌گردند. بنابراین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بررسی نظام مالیاتی، اثرات آن بر نحوه توزیع درآمد و ثروت در اقشار مختلف است. صاحبان سرمایه و ثروت قدرت بالاتری برای کسب سود از محل عایدات سرمایه‌ای و ثروت خود دارند؛ درصورتی‌که اقشار کم درآمد از فرصت کسب سود از سرمایه بی‌نصیب هستند.

با توجه به هدف نظام مالیاتی در بهبود نحوه توزیع درآمد، وقتی افزایش ناگهانی ثروت برخی از خانوارها هیچ ارتباطی با تلاش و فعالیت اقتصادی آنها ندارد، لازم است نظام مالیاتی عکس‌العمل مناسب نشان دهد[1]. عدم اخذ مالیات بر عایدی سرمایه، درآمد اقشار و دهک‌های بالای جامعه را

[1] . گزارش مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۸۹

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

افزایش داده درحالی‌که دهک‌های پایین از چنین درآمدی بی‌بهره خواهند ماند (عبدی و عسکری آزاد، ۱۳۸۷).

براساس مطالعات جدید موسسه بروکینگز[1] دریافت مالیات بر عایدی سرمایه و افزایش آن باعث کاهش نابرابری درآمدی خواهد شد. مطالعات و تحقیقات گسترده علمی و پژوهشی در آمریکا نشان می‌دهد که مالیات بر عایدی سرمایه موجب کاهش شکاف درآمدی و گسترش ثروت در جامعه می‌شود. همچنین نتایج تجربی نشان می‌دهد که برخلاف ادعای مخالفان، اعمال و افزایش نرخ مالیات برعایدی سرمایه تاثیری بر کاهش سرمایه‌گذاری نداشته است[2].

۱۲-۴. افزایش درآمدهای مالیاتی دولت

مطالعات خارجی افزایش درآمد مالیاتی از محل اخذ مالیات بر عایدی سرمایه را چه به‌صورت مستقیم و چه به‌صورت غیرمستقیم تأیید می‌کنند و آن را راه‌کاری برای جبران کسری بودجه می‌دانند. به‌عنوان نمونه نتایج پژوهش مؤسسه تحقیقات اقتصادی آفریقای جنوبی نشان می‌دهد مالیات بر عایدی سرمایه علاوه بر آنکه به‌طور مستقیم برای دولت درآمد ایجاد می‌کند، به‌صورت غیرمستقیم نیز باعث افزایش درآمد مالیاتی دولت می‌شود. درواقع با دریافت مالیات بر عایدی سرمایه، انگیزه تبدیل درآمدهای مشمول مالیات به عواید سرمایه‌ای معاف از مالیات، از بین می‌رود و در نتیجه، پایه مالیاتی فعالیت‌های مولد مشمول مالیات بر درآمد، گسترش می‌یابد؛ از این طریق با افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولد، درآمدها و فعالیت‌های اقتصادی مشمول مالیات افزایش می‌یابد و به تبع آن درآمد مالیاتی دولت بیشتر می‌شود[3].

۱۲-۵. افزایش ثبات و پیش‌بینی‌پذیری

نوسانات شدید قیمت‌ها امکان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را از فعالان اقتصادی می‌گیرد و زمینه را برای حضور سوداگران مساعد می‌کند. مالیات بر عایدی سرمایه با حذف انگیزه‌های سفته‌بازی و سوداگرانه موجب گسترش آزادی عمل تقاضای واقعی می‌شود. در ادبیات اقتصادی اعتقاد بر آن است که نوسانات و شوک‌های ادواری در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند مسکن عموماً تحت تأثیر شوک‌های تقاضا و سوداگری در این بازار قرار دارد و مهم‌ترین ابزاری که برای مدیریت و کنترل آن در اختیار دولت‌ها می‌باشد، نظام مالیاتی است.

---

[1] Brookinngs

[2] https://www.dailykos.com/stories/2015/9/29/1426011/-Studies-Raise-capital-gains-tax-rates-to-lower-income-inequality

[3] Economics Policy Research Institute,2000

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۱۲-۶. حبس دارایی یا قفل کردن مبادله دارایی

از اثرات قابل‌توجه اقتصادی مالیات سود سرمایه این است که برای صاحبان سرمایه ایجاد انگیزه می‌کند تا سرمایه‌گذاری‌های فعلی خود را حتی اگر فرصت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری سودآورتر در دسترس باشد حفظ کنند. اقتصاددانان این پیامد را اثر قفل دارایی[1] می‌نامند. با توجه به اینکه به عواید سرمایه در زمان تحقق، مالیات تعلق می‌گیرد، ممکن است فردی که ارزش اوراق بهادارش افزایش یافته، برای فروش آن بی‌میل باشد. زیرا در زمان فروش، شخص باید مالیات پرداخت نموده و با نگاه داشتن سرمایه می‌تواند پرداخت مالیات را تا زمانی دیگر به تعویق اندازد. نرخ بازده در سرمایه‌گذاری اولیه و جدید و افق زمانی سرمایه‌گذاری از جمله شاخص‌هایی هستند که در اندازه اثر قفل‌شوندگی دارایی‌ها تأثیر دارند. هزینه‌های مالی مالیات عایدی سرمایه از تخصیص مجدد سرمایه از کم‌بازده به پربازده جلوگیری نموده و سبب می‌شود سرمایه‌ای که در سرمایه‌گذاری‌های جاری قفل شده برای فرصت‌های سودآورتر مجدداً تخصیص نیافته و عملکرد اقتصادی کاهش می‌یابد. از این‌رو اثر قفل دارایی به‌طور قابل‌توجهی مانع رشد اقتصادی می‌شود. از این‌رو باتوجه به اینکه سرمایه‌گذاری‌های جدید موتور بهره‌وری، اشتغال و ثروت هستند مالیات برعایدی سرمایه، رفاه اقتصادی را کاهش می‌دهد(ولدهوس وهمکاران، ۲۰۰۷[2]). همچنین همواره این نگرانی وجود دارد که نرخ‌های بالای مالیات از عواید سرمایه باعث کاهش تمایل افراد برای ریسک‌پذیری و کارآفرینی شود (استیگلیتز، ۱۳۹۲: ۲۷۴).

۱۲-۷. اثر بر ریسک‌پذیری

اگربازده دارایی‌های ایمن صفر باشد و دولت گرفتن مالیات از عواید سرمایه و اعطای یارانه به ضررهای سرمایه را با نرخی یکسان انجام دهد، در این صورت، مالیات‌بندی سرمایه باعث تشویق ریسک‌پذیری خواهد شد. در نتیجه این سیاست، دولت به‌عنوان شریکی ساکت عمل خواهد کرد. در عمل، تمهیدات برای امکان کسر ضرر محدود هستند (استگلیتز، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان اعلام کرد که اثر خالص مالیات بر عایدی سرمایه، بازداشتن از ریسک‌پذیری بوده و اثر ثروتی مالیات برعایدی سرمایه می‌تواند به کاهش ریسک‌پذیری منجر شود. نکته اصلی در کاهش مالیات بر عایدی سرمایه، کاستن از میزان کلی تصاعدی بودن نظام مالیاتی است. زیرا بیشتر عواید سرمایه نصیب طبقه بسیار ثروتمند شده و افراد فقیر کمتر مایل به تحمل ریسک هستند.

---

[1] lock-in effect
[2] Veldhuis, Goldin, Clemens

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

نتیجه‌گیری

در تبیین اهداف اقتصاد اسلامی اختلاف نظر وجود دارد ولی با توجه به طبقه‌بندی این اهداف در سه دسته عالی، میانی و عملیاتی؛ شاخص‌ها و معیارهایی برای تحقق و نشان دادن هر یک از این سه دسته هدف مشخص شد. تحقق رفاه عمومی، عدالت، رشد و امنیت اقتصادی و سایر اهدافی که می‌تواند به‌عنوان هدف عملیاتی ذکر گردد و در راستای تحقق هدف عالی و میانی باشد سبب شده است که هر ابزاری که بتواند علاوه بر تطابق با ملاحظات و دستورات شرعی، کارآمدی لازم و تحلیل هزینه - فایده از به‌کارگیری را داشته باشد، بررسی و مورد استفاده قرار گیرد. عملکرد هر ابزار نیز براساس معیارهای کمی تعریف شده تا بتواند وضعیت اقتصادی هر کشور را گزارش نماید.

ایران از معدود کشورهایی است که از عواید سرمایه‌ای مالیاتی دریافت نمی‌کند. دریافت این مالیات باید با عدالت، بازتوزیع درآمد و ثروت درجامعه و هماهنگی با سیستم مالیاتی در جهت کنترل و جلوگیری از سوداگری و سفته‌بازی شکل گیرد. عدم دریافت این مالیات می‌تواند باعث شود بازار دارایی‌های مختلف به محلی برای سفته‌بازی و سوداگری تبدیل شود. اجرای هر سیاست اقتصادی مؤثر و کارآمد باید بر مبنای نظریات علمی دقیق، شواهد میدانی، تجربیات عملیاتی داخلی و خارجی و در نظر گرفتن شرایط ویژه اقتصاد کشور و توجه به تحقق زیرساخت‌های لازم شکل گیرد. ریسک پائین و سود بالای فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه در اقتصاد ایران، زمینه تضعیف فعالیت‌های مولد و تولیدی را به‌وجود آورده است.

از جهت انطباق مالیات بر عایدی سرمایه با مالیات‌های اسلامی(خمس) می‌توان بیان کردکه به‌طور کلی می‌توان این مالیات را بخشی از خمس دانست که البته در مواردی ممکن است از قوانین مرتبط با خمس نظیر شمول افراد حقوقی، تعلق مالیات و سال مالیاتی پیروی نکرده و در بقیه موارد نیز با توجه به اختیاراتی که توسط قانون شکل می‌گیرد درجه انطباق‌پذیری بیشتر می‌شود. از سوی دیگر اثرگذاری این مالیات بر برخی از متغیرها تحت تأثیر روش‌های متفاوت وضع مالیات برعایدی سرمایه می‌باشد.

در مجموع این ابزار اگر بتواند اهداف اصلی وضع آن که کنترل تقاضای سوداگرانه و سرمایه‌ای و محدودشدن فعالیت‌های غیرمولد و غیرتولیدی می‌باشد را محقق سازد، در راستای اهداف اقتصاد اسلامی رفتار کرده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

منابع

۱. قرآن کریم
۲. استیگلیتز، ژوزفای (۲۰۰۰). اقتصاد بخش عمومی (ج۲)، ترجمه محمدمهدی عسکری، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. الامام الخمینی (۱۳۷۹). تحریرالوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی (قدس سره).
۴. بهجت (۱۴۲۸ ه.ق). استفتائات، دفتر حضرت آیۀ االله بهجت، قم.
۵. پورفرج، علیرضا، (۱۳۸۹)، جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آنها، مجموعه مقالات دومین همایش مالیات‌های اسلامی، دانشگاه مفید. قم.
۶. پورفرج،علیرضا، انصاری سامانی، حبیب و ابراهیم پور سامانی جمشید، (۱۳۸۸)، اثر نوآوری بر رابطه میان عدالت و رشد اقتصادی، کار و جامعه.
۷. تقوی، مهدی و درویشی، باقر و شهیگی تاش، محمد نبی (۱۳۸۸). بررسی مالیات بر عایدی سرمایه، فصلنامه تخصصی مالیات، دوره جدید، شماره هفتم، (مسلسل ۵۵).
۸. جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۸). اقتصاد بخش عمومی (۱)، انتشارات سمت.
۹. الحائری، الشیخ مرتضی (۱۴۱۸ه.ق) کتاب الخمس مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۱۰. الحسینی السیستانی، سیدعلی (۱۴۱۷ ق). منهاج الصالحین، قم، مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی.
۱۱. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۷). معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام (بررسی انتقادی نظریه شهید صدر) ، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲.
۱۲. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۸). مجموعه مقالات دومین همایش مالیات‌های اسلامی: جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آنها، انتشارات دانشگاه مفید.
۱۳. حقیقت، جعفر و توتونچی ملکی، سعید (۱۳۹۳). معرفی پایه مالیاتی جدید: چگونه در ایران مالیات بر عایدی سرمایه را پایه‌گذاری کنیم؟، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه مالیات، جلد ۲۲، شماره ۲۱، صص ۳۹-۶۸.
۱۴. حکیمی، محمدرضا و محمدعلی و علی حکیمی، الحیاه، چاپ اول، تهران، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.، ج۶، ص۴۳۰.
۱۵. خزائلی، محمد، احکام قرآن، (۱۳۶۱)، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱.
۱۶. الخویی، السید ابوالقاسم (۱۴۲۸ ه. ق). منهاج الصالحین مع فتاوی الشیخ حسین الوحید الخراسانی، قم، مدرسه الامام باقرالعلوم(ع).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۱۷. رضایی دوانی، مجید و خادمی جامخانه، علی‌اکبر (۱۳۹۰). اصلاح ساختار و بسط پایه‌های مالیاتی در تطبیق با الگوهای مالیات‌های اسلامی با تأکید بر مالیات بر عایدی سرمایه، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه مالیات، شماره۱۱، صص۱۲۱-۱۳۹.
۱۸. رضی، ابوالحسن، شریف (۱۳۹۵). نهج البلاغه، تحقیق الدکتور صبحی الصالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیه.
۱۹. ریاضی، حامد و ملکی، مصطفی (۱۳۸۸)، مبانی مدیریت سرمایه گذاری مالی، تهران: سایه گستر.
۲۰. زایر، آیت وهمکاران (۱۳۸۶). معرفی پایه‌های جدید مالیاتی در بخش املاک و عایدی سرمایه، سازمان.
۲۱. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۳۰ ه.ق). رساله توضیح المسائل، انتشارت سلسبیل، قم.
۲۲. شریف زاده، محمدجواد و مصطفوی ثانی، علی (۱۳۹۷)، وضع مالیات برعایدی سرمایه در بازار مالی ایران و برآورد ظرفیت درآمدی آن. مجموعه مقالات یازدهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.
۲۳. الشهید الاول (محمد بن مکی)، (۱۴۱۲ ق)، الدروس الشرعیهٔ، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج۱.
۲۴. صامتی، مجید؛ صمدی، سعید و شریفی، مرضیه (۱۳۹۴). مالیات بر عایدی سرمایه و تأثیر آن بر قیمت مسکن (مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای عضو OECD) ، فصلنامه علمی- پژوهشی، پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۳، شماره ۲۶ (مسلسل ۷۴)، صص ۶۴-۴۹.
۲۵. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۷). اقتصادنا، قم: دفترتبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
۲۶. الطباطبایی الحکیم، السید محسن (۱۳۹۰ ق)، مستمسک العروه الوثقی، جلد۹، منشورات مکتبه آیت الله المرعشی، قم، چاپ سوم
۲۷. الطباطبایی الیزدی، السید محمدکاظم (۱۴۳۲ ق). العروه الوثقی مع تعلیقات السید عبدالکریم الموسوی الاردبیلی، مؤسسه النشر الجامعه المفید، قم.
۲۸. العاملی، الحر، (۱۴۱۴ ه.ق)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث ج۶.
۲۹. عبدی، محمدرضا، عسکری آزاد، حمید، (۱۳۸۷)، کاربرد مالیات بر عایدات سرمایه در اصلاح ساختار تقاضا و تعدیل نوسان‌های قیمتی مسکن، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، صص ۴۱-۶۷.
۳۰. عرب مازار، عباس، آیت، زایر، (۱۳۸۷)، برآورد ظرفیت بالقوه اقتصادی مالیات در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره ۵۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۳۱. غفاری‌فرد، محمد؛ خاشعی، محمدیوسف؛ صفدری، رمضان و علامه، محمدنسیم (۱۳۹۹). شاخص ترکیبی سرمایه مذهبی در استان‌های ایران و رتبه‌بندی آنها با استفاده از الگوهای تصمیم‌گیری چندمعیاره، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۳۰، صص ۲۰۰-۱۸۱.

۳۲. القمی، میرزا ابوالقاسم، (۱۴۱۷ ق)، غنایم الایام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج۴.

۳۳. کالیز، جان و جونز، فیلیپ (۱۳۸۸). مالیه عمومی و انتخاب عمومی، ترجمه الیاس نادران، آرش اسلامی و علی چشمی، جلد اول، انتشارات سمت.

۳۴. المجلسی، محمدباقر، (۱۴۲۱ ق)، بحار الانوار، بیروت: دار التعارف، ج۳۹.

۳۵. مصطفوی ثانی، علی (۱۳۹۲). امکان سنجی شرعی و اجرایی وضع مالیات بر عایدی سرمایه در بازارهای مالی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۳۶. المنتظری، حسینعلی، (۱۴۱۱ هـق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، الجزء الثالث، دارالفکر، قم.

۳۷. منتظری، حسین‌علی (۱۳۷۳). رساله استفتائات، نشر تفکر، قم.

۳۸. میرمعزی، سیدحسین، (۱۳۷۸)، نظام اقتصادی اسلام (دفتر سوم)، مبانی مکتبی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۳۹. النجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱ ه.ق)، جواهر الکلام، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.

۴۰. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۷). "اهداف اقتصادی حکومت اسلامی"، فصلنامه حکومت اسلامی، سال سیزدهم، شماره چهارم.

۴۱. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۷ب). نظام اقتصادی علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی) ، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.

۴۲. الیزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی، (۱۴۰۹ق)، بیروت: مؤسسه الاعلمی، چ دوم، ج۲.

43. Allen, A., Francis, B., Wu, Q., Zhao, Y. 2016. Analyst coverage and corporate tax aggressiveness. J. Bank. Finance 73, 84–98.
44. Aron-Dine, A (2007), the effects of the capital gains and diviend tax cuts on the economy and revenues, Revised12 July
45. Attai, G., (2007), Towards Realization of the Higher Intents of Islamic Law. (N. Roberts, Trans). London: IIIT.
46. Auerbach, Alan. J. (1989). Capital Gains Taxation and Tax Reform. National Tax Journal, Vol. 42, 391-401.
47. Bhootra, Ajay,(2013), On the Role of Intangible Information and Capital Gains Taxes in Long-Term Return Reversals,Financial Management, Volume 42, Number 3, 1 September 2013, pp. 537-573(37).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

48. Burman, Leonard and Deborah Kobes (2004), "Preferential Capital Gains Tax Rates", Tax Policy Center, January.
49. Geoffrey M. Hodgson, 2014, what is capital? Economists and sociologists have changed its meaning: should it be changed back?, Cambridge Journal of Economics, Volume 38, Issue 5, September 2014, Pages 1063–1086
50. Hasanuzzaman, S., (1984), "Definition of Islamic Economics", Journal of Research in Islamic Economics, Vol. 1, No. 2, pp.49−50.
51. https://www.dailykos.com/stories/2015/9/29/1426011/-Studies-Raise-capital-gains-tax-rates-to-lower-income-inequalit
52. Jane G. Gravelle, (2018), Capital Gains Taxes: An Overview Senior Specialist in Economic Policy March 16.
53. Ka Yui Leung, Charles, and Guang Jia Zhang, (2000), "Inflation and capital gains taxes in a small open economy." International Review of Economics and Finance 9.
54. Matthew C. Whited. (۲۰۱۷), the actual implications of a capital Gains Tax
55. Turner, Magda; Coldwell, David; Maroun, Warren, (2014), Capital gains tax in South Africa: perceptions of fairness? South African Journal of Economic and Management Sciences, Volume 17, pp. 124-139 (16).
56. Veldhuis, Niels. Goldin, Keith. Clemens, Jason (2007). The Economic Costs Of Capital Gains Taxes, Studies in Entrepreneurship Markets, Number 4.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]